

بازسازی حرکت جنبش کارگری کانادا



مقدمه:

وقوع بحرانهای اقتصادی در سال ۲۰۰۸ که با ورشکستگی سرمایه جهانی و حمله لجام گسیخته بورژوازی به حقوق طبقه کارگر همراه بود. بیشترین ضربات را با بیکاری های وسیع و قطع خدمات اجتماعی در سطح گسترده ایی بر پیکر طبقه کارگر فرود آورد. این بحرانها ناشی از ۳۰ سال سیاستهای نئولیبرالیسمی میباشد، که با طرح "ریاضت اقتصادی" شنیع ترین تعرضات را به سطح معیشت کارگران و زحمتکشان فرود آورده است. باعث شده که بخش زیادی از طبقه کارگر برای زنده ماندن و حفظ مشاغلشان در حالت دفاعی قرار بگیرند. در این مدت اتحادیه های کارگری به شکل نظاره گر این بحرانهای اقتصادی- سیاسی در آمده اند و در بیشتر اوقات در مقابل اعمال کارفرماها سکوت اختیار نموده، و در بسیاری موارد همراه و همگام با بورژوازی، کارگران را از هر گونه حرکت تعرضی بر حذر داشته ند. این حرکت اخیر که قصد دارد اتحادیه های موجود و به بن بست رسیدن سیاستهایشان را به چالش بکشد. ضمن تقابل با آن، به ایجاد تشکلهای کارگری دست بزند که کارگران دخالتگری مستقیم در این امر داشته باشند. به همین دلیل این کنفرانس دو روزه برای شروع این حرکت ضرورت پیدا نمود.

چرا این کنفرانس؟ و چرا حالا؟

در ماه ژانویه یک کنفرانس دو روزه با حدود ۳۰۰ نفر از کارگران و فعالین جنبش کارگری اتحادیه ایی و غیر اتحادیه ایی استان انتاریو کانادا در تورنتو برگزار شد. این مجمع عمومی شروع کار کارگران و فعالین رادیکال و چپ جنبش کارگری کانادا بود که مدتها است ضمن موضع گیری، با سیاستهای نادرستی که اتحادیه ها در قبال جنبش کارگری اتخاذ نموده اند، مرزبندی نموده و معتقد هستند در این دوره بحرانی یک چنین تشکلهای اتحادیه ایی نه تنها نمیتواند از حق و حقوق کارگران دفاع نماید. بلکه کاملاً در جهت سیاستهای دولت و کارفرماها عمل می نمایند. و ریشه این بحران و عدم کارایی این تشکلهای اتحادیه ایی را در به بن بست رسیدن سیاستهای نئولیبرالیسم جستجو می نمایند. آنها تلاش دارند تا در تقابل نقد این سیاستهای غلط دست به ایجاد تشکلی بزنند که ضمن اینکه بتواند سیاستهای راست اتحادیه ها را افشاء نماید. در ضمن قادر باشد با تغییراتی اساسی در بدنه و اقشار پایین اتحادیه ها هر چه بیشتر کارگران را متشکل نماید. با استفاده از نوع تشکل یابی جدید

کارگران با انتخاب نمایندگان واقعی خودشان بتوانند در سرنوشت خود بدون دخالتگری کارفرما و نمایندگان فرمایشی اشان نقش داشته باشند. این مجامع مبنای سازماندهی این طیف از کارگران را شور و مشورت و یکسری کرد همایی های سیاسی قرار داده همچنین بر بستر هر چه بیشتر رادیکا لیزه شدن حرکت های جنبش کارگری و مبارزات ضد سرمایه داری و امپریالیستی پای می فشارند. در واقع هدفشان این است که جنبش کارگری را از نظر ساختاری آرایش جدیدی بدهند که بتواند توان مبارزاتی همه جانبه ای بر علیه حملات سرمایه و سیاست های نئولیبرالیسم داشته باشد.

برگزار کنندگان این کنفرانس معتقدند: طبقه کارگر در این دوره زیر حملات شدید قرار گرفته است. در بعضی مواقع دشمن خود را تشخیص نداده بجای اینکه بر علیه آن مبارزه کند، کارگران بر علیه هم دیگر می جنگند بدون اینکه در نظر بگیرند منافع مشترکی دارند. بهمین دلیل الان موقع آن رسیده فکر کنیم که کجا ایستاده ایم. و از چه ظرفیت و توانی برخوردار هستیم برای باز سازی یک حرکت کارگری موثر. کارگران کمپانی های خصوصی که حتی اتحادیه دارند مرتب زیر حملات سرمایه قرار دارند. دائماً روبرو هستند با بیکاری، کارهای قراردادی با حقوق های پایین، نداشتن حق و حقوق بازنشستگی. و بعلت رقابتی که ما بین کمپانیها است برای حفظ اشان و مجبور میشوند عده ای را اخراج نمایند، کارگران قربانیان این طرح های سرمایه و کارفرماها هستند.

کارگران بطور مرتب از سرویس های اجتماعی و خدماتی حداقل تری برخوردار می گردند. به این دلیل که مرتب از این خدمات زده میشود.

تعداد زیادی از کارگران از اتحادیه برخوردار نیستند. تمام مدت با عدم امنیت شغلی و شرایط بد کاری روبرو هستند. کارگرانی هستند از ترس اینکه دیپورت نشوند از حق و حقوقشان دفاع نمی کنند و با هر شرایط سخت کاری کنار می آیند.

به علت حذف خدمات اجتماعی بطور روتین کارگران از بیمه مکفی، حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی که از مهمترین حق و حقوقها هستند برخوردار نیستند. محرومیت از حق مسکن، مهدکودک و وسیله حمل و نقل که بطور مرتب در حال اضافه شدن میباشد. و همچنین عدم افزایش دستمزدها. بر این اساس کارگران هر چه بیشتر به طرف فقر سوق داده میشوند.

ما می بینیم که اتحادیه های ما ضعیف تر میشوند. و هیچ صدای اعتراضی رو به بیرون برای گرفتن حق و حقوق کارگران موجود نیست. و سعی نمی شود کارگران را تشویق کنند در قدرت قرار بگیرند. بهمین دلیل مرتب طبقه کارگر مورد حمله قرار می گیرد. حرکت های ضد کارگری افزایش می یابد و از نظر سیاسی هیچ صدا و ارگانی کارگران را نمایندگی نمیکند.

بر مبنای این مشکلات و معضلات کارگری این کنفرانس تشکیل شده است. تا ایجاد تشکلهای جدیدی را مبنای کارش قرار دهد که کارگران با اتکاء به آن بتوانند در برابر حملات سرمایه مبارزه نمایند.

اهدافی که این کنفرانی میخواهد دنبال نماید:

- با استراتژی معین و بکارگیری تمام منابع و در نظر گرفتن ظرفیتهای برای استقامت و بسیج کردن نیروی بیشتر کارگران در مبارزه با سیاست های اتحادیه ها در محلهای کار و جامعه.

- شور و مشورت و به چالش کشیدن طبقه کارگر موجود چطور با تهاجمات سرمایه مبارزه نمایند.

- در این دوره که طبقه کارگر با بحرانهای اقتصادی جهانی روبرو است به چه شکلی سازماندهی شود که بتواند سرمایه را به چالش بکشد.

- توسعه و گسترش فعالیتهای کارگران با استراتژی معینی از طریق مجامع عمومی کارگران و سوسیالیستها برای ایجاد تشکلهایی که بتواند بر سیاست های اتحادیه ای موجود پیروز شود.

طبق این اهداف این کنفرانس مبنای کارش را ایجاد هر چه سریعتر تشکلهای جدیدی قرار داد که بتواند در این دوره تهاجمات تعرضی سرمایه را دفع نموده و از حق و حقوق کارگران دفاع نماید.

قرار است سوخت و ساز این تشکلهای جدید کارگری، از طریق خود بدنه جنبش کارگری انجام گیرد. این مجامع و تشکلهای اولیه شامل تعدادی از فعالین سوسیالیست قدیمی جنبش کارگری و فعالین کارگری جوان و پر شور و میباشند که در امر تشکل یابی این تشکلهای بطور شبانه روزی در تلاش اند.

آنچه واضح است این مجامع و نوع تشکل‌یابی جدید با آلترناتیو و استراتژیهای متفاوتی در بین فعالین آن همراه است. مدافعان این حرکت متعقدند در شرایط اخیر که یک بحران جهانی کل موجودیت طبقه کارگر جهانی را مورد حمله و تهاجم قرار داده است و طبقه کارگر کانادا را هم در بر می‌گیرد. تشکلهای اتحادیه‌ای فی الحال فقط نظاره‌گر این بحرانهای اقتصادی-سیاسی هستند و این امر باعث شده کارگران بیکار و شاغل از نظر ایدئولوژیکی و استراتژیکی در حالت تدافعی قرار بگیرند. این حالت تدافعی به سرمایه و کارفرماها این فرصت را می‌دهد بیشترین حمله را به سطح معیشت کارگران، مردم فقیر و بیکارها و یا کسانی که در معرض بیکاری هستند بنمایند. همچنین طیف مورد تعرض سرمایه شامل کارگرانی هستند که اکثریت قریب به اتفاق آن را کارگران مهاجر و رنگین پوست تشکیل می‌دهند. این شرایط باعث شده که این کارگران بدون هیچ تلاش و مبارزه‌ای برای سازمان‌یابی بر علیه وضع موجود شان کار کنند تا بتوانند زنده بمانند. و تمام مدت بجای اعتراض سعی کنند در مقابل درنده‌خویی کارفرما و سرمایه عقب نشینی نمایند.

این مجمع اهداف خود را چنین تعریف می‌نماید:

- فعالین درون جنبش کارگری با استفاده از تجارب و روشهای مبارزاتی که دارا میباشند. در هر دو حالت متحد یا پراکنده گرد هم آیند. به عنوان نقطه شروعی بر اختلافات غلبه نموده و با عمل و بحثهای استراتژیکی سعی به اتحاد عمل بیشتری شود.

- برای به اشتراک گذاشتن درک مشترک ما از مسایل و مشکلات ایجاد شده توسط سرمایه داری و بحرانهای اخیر اقتصادی، نیاز به توسعه دید گاههایی است که ضمن چالشهای منطقی، قدرت شرکتهای خصوصی و وارداتی که بر زندگی ما مسلط دارند به عقب رانده شود.

- شناسایی و توسعه استراتژیکی هم آهنگ و بکارگیری اشکال سازمانی که به دفاع از طبقه کارگر و نیازهای فوری آن بپردازد. و بتواند روشهای دموکراتیکی جایگزین نماید منطبق با اراده سیستمهای اقتصادی و سیاسی.

به نقل از یکی از رهبران سوسیالیست و چپ این حرکت؛ چپ سوسیالیستی در آمریکای شمالی خواه به شکل مستقل یا بشکل گروهی در بن بست است، و بنابراین سوال این است چه نوع جدید شکلهای سازمانی ما میتوانیم ایجاد نماییم که امکان نگه داری این وعده‌ها را داشته باشد؟

ایشان ایده و شروع چنین حرکتی را اینطور توضیح میدهند. در بهار سال ۲۰۰۶ یک گروه کوچک و اما موثر از فعالین جنبش کارگری آمریکایی دور هم جمع شدند و یک "مرکز بازسازی" بنام (سی ال آر) را آغاز کردند. این گروه شامل فعالین کارگری قدیمی و رهبران اتحادیه‌های محلی، شرکت کنندگان در سطح دانشگاهی (آکادمیک)، نمایندگان مراکز کار (در آمریکا برخی از مراکز در حدود ۱۳۵ مراکز خدماتی نابسامان وجود دارد). از ۳۰ نفر شرکت کنندگان ۱/۳ آنها زن بودند. یک گروه بعنوان یک کل اکثریت کمی از مردم رنگین پوستان بودند.

جلسه در واشنگتن دی سی اجرا شد شامل مردمی از نیویورک، سیاتل، میامی، غرب میانه و دو نفر کانادایی. بزرگترین چهارچوب نشست متمرکز شد به بررسی ترکیبی از حملات به استانداردهای طبقه کارگر و شکست جنبش کارگری آمریکا در رابطه با اتحادیه‌های خصوصی یا ای اف ال - سی آی او گروه اصلاح طلب که به قدرت رسیده اند.

در اینجا لازم است در مورد نظرات یکی از فعالین رادیکال و سوسیالیست در کانادا برای بیشتر در جریان گرفتن رفا در رابطه با این حرکت به اختصار مختصری نوشته شود.

این فعال سوسیالیست معتقد است، در کانادا و جاهای دیگر در حال حاضر یک طیف گسترده‌ای از حوزه‌هایی مبتنی بر مبارزات در رابطه با مشاغل خاص و ویژه‌ای موجود است. اما بدون انسجام گسترده و احاطه به برخی از این حرکتها و سیاستهای پراکنده اتخاذ شده ما را به حاشیه رانده و سبب خستگی نمودن ما شده است. یک

تغییر شکل معکوسی بجای کار بزرگتری دارد در دستور ما قرار می گیرد. نشانی دارد از سیاستهای ناپایدار و عدم پاسخ به بحرانهای مالی از جانب چپ جنبش کارگری در امریکای شمالی. از آنجاییکه هیچ چشم انداز ایجاد تغییر و تحول در جامعه موجود نیست. چپ سوسیالیستی، خواه مستقل یا بشکل گروهی در بن بست است. این سوال را جلو روی ما می گذارد، برای سازمان دادن حرکتی در راستای جنبش های اجتماعی، چه آرایش سازمانی جدیدی ما آغاز نماییم که بتواند جوابگو باشد.

با قول و قرارهایی که در اواسط قرن نوزدهم داده شد، یا شکافی که اخیراً در (س آی او) و (ای اف ال) افتاده است. این ناکامی و ناامیدی همراه با رکود در جنبش کارگری ایالات متحده آمریکا اجازه داد مرکز باز سازی (سی ال آر) در رابطه با ایجاد یک سازمان جدید و نو که بر مبنای " استراتژیهای جدید " با اهداف کار و صف بندیهای جدید سازمانی بحث کند.

خیلی مفید است با یک باز نگری فکری که باعث شده ما را به این نکته برساند ما به عقب برگردیم. اول شناسایی چپ سنتی موجود در "طبقه کارگر" با اتحادیه های بخشهای ساده که دیگر نخواهد توانست موجود باشد. بخصوص در ایالات متحده آمریکا، جاییکه فقط ۱ نفر از ۱۰ نفر کارگر آمریکایی متعلق به اتحادیه هستند. یا در کانادا کمتر از ۱ نفر از ۳ نفر اتحادیه ای هستند. لازم به ذکر است بخش بزرگی از کارگران بدون اتحادیه در امریکای لاتین به طرز بیرحمانه ایی استثمار میشوند. همچنین اعتراض ما بین کارگران اتحادیه ای و پتانسیلی که برای حق و حقوق موجودشان ایفا کنند خیلی محدود شده است. این ستم طبقاتی در جوامع مان، در خانه امان و همچنین در محل کار مشاهده میشود.

طبقه کارگر به نیروی اجتماعی اش اتکاء دارد، و با معرفی و برسمیت شناختن ظرفیتهای در حال توسعه کارگران بعنوان کسانی فراتر از فروشندگان نیروی کار. جنبشی که حقیقتاً طبقه کارگرش نیاز به ساختمان و تشکل سازمانی دارد. باید بصورت جمعی و متشکل به نیازهای جامعه جواب بدهد. در نبود همچنین چشم اندازی صحبت از اصلاح و احیا نمی تولن بمیان آورد.

اقدامات لازم:

این دیدگاه به مجامع عمومی منجر شد. نقطه شروعی برای راه اندازی مجامع عمومی برای شروع یک پروسه از ارتباط سازمانی و توسعه و تحولات (مراحل پشت سر هم نشان دهنده مجمع کارگری تورنتو است). مرحله ای از این حرکت مربوط به شناسایی، طیف وسیعی از مراکز شهری، همه گروههای مختلف اخیراً درگیر در فعالیتهای و حرکتی برای دفاع یا وسیع نمودن حقوق طبقه کارگر و نیازهایش هستند. تشکلهای مربوطه در راستای این حرکت شامل: اتحادیه های محلی، مبارزه با فقر و بیکاری، گروههای بیکاری، گروههای خدماتی کارگران مهاجر، همه آنها که بر علیه تبعیض مبارزه می کنند. یا درگیر هستند با بنگاههای زنان، گروههایی که با جوانان خیابانی کار می کنند، گروههای همبستگی بین المللی و غیره. دومین مرحله جلسات روتین این گروهها و بحث پیرامون گرهگها و کمک به حل آن. مشخص نمودن محدودیتهایی که این گروهها با آن روبرو هستند. انجام گرفتن بحثها از جانب گروههای مختلف موجود و انتقال آن بصورت مقالات، گزارش، بحث و گفتگو. گردهمایی تمام گروههای کاری و سیاسی و بحث پیرامون اهداف، استراتژی ها تاکتیکها و انتقال آنها به همدیگر. قصد و هدف این حرکت در عمل این است به عنوان یک کاتالیزور برای ایجاد یک نوعی از طبقه کارگر جدید که بتواند به باز سازی جنبش طبقاتی کمک نموده و یک فضایی ایجاد نماید که سوسیالیستها در آن نقش موثری بازی نمایند. و به جایی این حرکت هدایت شود که جنبش میروند. امکان توسعه یابی در فرآیند (بازسازی) ساختمان مجموعه هایی که بوجود آورنده این تشکل باشند. جذب کردن افراد جدید در پروژه های جدید با امکانات و متقاعد کردن اتحادیه های محلی و در جریان گذاشتن آنها در رابطه با مترقی بودن این پروژه ها. چگونه کار جمعی و دموکراتیک با بخشهای مختلف از طبقه کارگر انجام گیرد.

مجمع عمومی یک راهش این است که حوزه های محلی را بهم پیوند دهد. و به یک نیروی محرکه اجتماعی منطقه ایی و ملی تبدیل نماید. ایجاد ساختار مجموعه ایی خواهد بود از این مبارزات پراکنده. تاکید بر ایجاد ساختار دائمی در جهت چپ.

اجلاس و نشستهایی در مورد طرحهای ابتکاری. پیشبرد کمیتهای عمومی- تبلیغاتی و برگزاری مجامع عمومی در این راستا برای بحث و تبادل نظر. مشخصاً جنبش از چه مهارتها و ظرفیتهای برخوردار است. البته باید تاکید نمود، ساختمان مجامع فقط در مورد گسترده شدن حرکت نیست. همچنین روبرو است با رفع موانع سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی. بهر حال امروز مشکلاتی از جمله: محیط زیست، فقر، بهداشت و درمان و ایجاد مشاغل از ربع قرن گذشته از معضلات واقعی جامعه بوده و هست. ایجاد این تشکلهای تلاش بر این دارد که با متشکل نمودن کارگران بر علیه این نابرابریها به مبارزه پرداخته و اتحاد عمل وسیع تری را مابین طبقه کارگر ایجاد نماید.

ما از طرف کانون همبستگی کارگران ایران و کانادا در این کنفرانس دو روزه شرکت کردیم. ضمن یکسری بحث و تبادل نظر خیلی مایل هستند تجارب جنبش کارگری ایران را به آنها منتقل نماییم. ما در این رابطه تلاش خواهیم نمود. در ضمن از عضویت ما استقبال نمودند. در حال حاضر ما رابطه نزدیکی با آنها داریم و بطور روتین در جریان فعالیتهایشان هستیم. ما ادامه فعالیت خود را با این حرکت و جریان بطور پیگیر ادامه داده و شما را در جریان خواهیم گذاشت.

March ۷, 2011

کانون همبستگی کارگران ایران و کانادا

kanonhambastagi@gmail.com